

# نوشیدنی: گرم، سرد

ترجمه حورا اخلاقی



کنسرو شده است (این موضوع به ویژه در مورد آب مرکبات صدق می‌کند). آب میوه تازه را می‌توان به مدت چند روز در یخچال نگهداری کرد.

برای تهیه آب مرکبات می‌توان میوه را به سادگی به دو نیم کرد و فشار داد. برای میوه‌های دیگر هم می‌توان از ماشین آب میوه‌گیری استفاده کرد. چنانچه آب میوه‌گیری در اختیار ندارید، می‌توانید به دو روش دیگر آب میوه‌های دلخواه خود را تهیه کنید:

۱- میوه‌ها را در ظرفی شیشه‌ای، لعابی و یا استیل که بتوان در آن را کیپ گذاشت با مقدار بسیار کمی آب بجوشانید. (از ظروف آلومینیومی استفاده نکنید چرا که با اسید موجود در آب میوه، فعل و انفعالات شیمیایی ایجاد می‌کند و رنگ و طعم آن را تغییر می‌دهد). پس از آن که میوه نرم شد، آن را از پارچه ملل یا صافی رد کنید.

۲- قطعه‌های پوست کنده میوه را با کمی آب در مخلوط کن بریزید، از یک پیمانه میوه (قطعه‌شده) و یک چهارم پیمانه آب، حدود سه چهارم آب میوه تهیه می‌شود.

آب میوه‌هایی مانند سیب، زردآلو، خربزه، هندوانه، گیلاس شیرین، گلابی، آناناس و بعضی از انواع توت، به حد کافی شیرین هستند. گاهی کمی پوست رنده‌شده پرتقال و یا لیموترش و یا آب آنها، طعم آب میوه‌های شیرین را دلپذیرتر و به حفظ رنگ طبیعی آنها کمک می‌کند. طعم ترش آب میوه‌هایی مانند گیلاس ترش، انگور فرنگی، آلو و گوجه را می‌توان با کمی عسل، ملایم کرد. مخلوط چند نوع آب میوه، نوشیدنی گیاهی و میامات دیگر، معمولاً طعم و عطر خوشایندی ندارد. بنابراین به هنگام مخلوط کردن چنین موادی، نهایت دقت را بکار ببرید. اگر در نوشیدنیها، از یخ یا آب معدنی گازدار استفاده می‌کنید، میزان رقیق

بهترین فرصت برای استفاده از مصاحبت دلشین دوستان، دعوت از آنها به صرف یک نوشیدنی است. نوشیدنیها را باید با توجه به موقعیتهای مختلف صرف کرد. مثلاً در هوای سرد زمستان، یک فنجان چای داغ و در روزهای گرم و طاقت فرسای تابستان، یک لیوان مخلوط شیر و بستنی یا شربت خنک، بسیار دلپذیر خواهد بود.

نوشیدنی، صرف نظر از ارزش اجتماعی خود، نقش مهمی در حفظ سلامت بدن دارد. هر فرد روزانه باید حداقل بین هشت تا ۱۰ لیوان مایع مصرف کند. این مقدار با توجه به افزایش حرارت هوا، میزان فعالیت شخص و همچنین هنگام کسالت افزایش می‌یابد.

نوشیدنیهای میوه‌ای

مصرف نوشیدنیهایی که از میوه‌های مختلف تهیه می‌شوند، برای هر موقعیتی مناسب است. یک لیوان آب میوه به هنگام صرف صبحانه، آغاز خوبی برای یک روز فعال است. و یک لیوان مخلوط شیر و آب میوه نیز برای رفع خستگی، در نیمه روز بسیار مناسب است. اکثر نوشیدنیهای میوه‌ای سرشار از ویتامین و مواد معدنی هستند و نیازهای غذایی بدن را رفع کنند. مثلاً آب پرتقال و آب گریپ‌فروت، «ویتامین C» و آب زردآلو، «ویتامین A و پتاسیم» سرشاری دارند. تا حد امکان آب میوه تازه بنوشید زیرا طعم آن مطبوعتر و شیرینتر از آب میوه

شدن آنها را در نظر بگیرید. آب معدنی گازدار را در آخرین لحظات به نوشیدنی بیفزایید، زیرا گاز خود را سریع از دست می‌دهد.

آب سبزی

آب گوجه‌فرنگی، از گذشته میان مردم متداول بوده است، اما مصرف آب سبزیهایی چون هویج، اسفناج، کلم، کرفس، و خیار نیز معمول شده است. اگر کمی فلفل سبز، جعفری، شاهی آبی، یا سیر به هریک از این نوشیدنیها بیفزایید ارزش غذایی بیشتر و طعم مطبوعتری پیدا می‌کنند.

نحوه آبیگیری سبزیها هم مانند میوه‌ها، بسیار ساده است. پیش از شروع باید مطمئن شوید که چه مقدار سبزی رسیده در دسترس دارید، برای تهیه یک لیوان آب هویج، حدود ۴۵ گرم هویج و برای نصف لیوان آب اسفناج، ۴۵ گرم اسفناج لازم است. سبزیها را می‌توان با ماشین آب میوه‌گیری آب گرفت و یا آنها را پخت و از صافی عبور داد. این نوشیدنیها را می‌توان سرد یا گرم و همراه با حلقه‌های لیمو، شاخه‌های کرفس و یا قطعه‌های هویج صرف کرد. آب سبزیها را می‌توان در ظرفهای سرپوشیده، چند روز در یخچال نگهداری کرد.

مخلوطهای شیر

اکثر مردم به انواع نوشیدنی همراه با شیر از مخلوطهایی سرد و کفدار با طعم میوه تا



آب لیموترش  $\frac{1}{4}$  پیمانه  
 عسل در صورت تمایل ۲ تا ۳ قاشق  
 غذاخوری  
 حلقه‌های لیموترش  
 هندوانه را در مخلوط کن بریزید. سپس  
 آب زردآلو، آب لیموترش و عسل را (در  
 صورت تمایل) به آن اضافه کنید. آنها را  
 خوب با هم مخلوط کنید و بعد در لیوانهای  
 بلند بریزید، آن را با حلقه‌های لیمو تزئین و  
 سپس صرف کنید.

نعنای دم‌کرده  
 آب ۱ پیمانه  
 عسل ۲ قاشق غذاخوری  
 نعنای تازه (خردشده) ۲ قاشق  
 غذاخوری  
 فلفل شیرین (خردشده)  $\frac{1}{8}$  قاشق  
 چایخوری  
 آب لیمو  $\frac{1}{4}$   
 آب پرتقال  $\frac{1}{4}$  پیمانه  
 آب جوشیده ۲ پیمانه  
 آب و عسل را در ظرف کوچکی با هم  
 بجوشانید. نعنا و فلفل را به آن بیفزایید  
 مخلوط را به مدت ۱۰ دقیقه دم کنید، آن را  
 از صافی عبور دهید. سپس آب لیمو، آب  
 پرتقال و آب جوشیده را به جای اضافه کنید  
 و آنرا گرم یا سرد بنوشید.

عمل آورد و یا به صورت خشک شده از  
 مغازه‌ها و سوپر مارکتها تهیه کرد.

نوشیدنی گیاهی را به دو طریق می‌توان  
 آماده کرد:

۱ - جوشاندن: ۳۵ گرم ریشه، پوست یا  
 تخم گیاه را در یک ظرف درباز، با ۳ پیمانه  
 آب شیرین، به مدت ۳۰ دقیقه، بجوشانید.  
 بدین ترتیب، حدود دو پیمانه نوشیدنی گیاهی  
 به دست می‌آید که می‌توان آن را با  
 اضافه کردن آب جوشیده و یا قطعه‌های یخ،  
 به دلخواه خود رقیق کرد.

۲ - دم کردن: آب را جوش بیاورید و  
 ۳۵ گرم آب (یک فنجان)، نصف قاشق  
 چایخوری برگ یا گل گیاه به آن اضافه و به  
 مدت سه سه تا ۱۰ دقیقه دم کنید. (چنانچه از  
 گیاه تازه استفاده می‌کنید، یک و نیم قاشق  
 چایخوری یا یک قاشق غذاخوری از آن دم  
 کنید). روی قوری، دم‌کنی بگذارید تا  
 حرارت آن حفظ شود. و هنگامی که  
 نوشیدنی، رنگ دلخواه شما را پیدا کرد، آن  
 را صرف کنید. نوشیدنی گیاهی باید صاف و  
 شفاف باشد.

شربت هندوانه

هندوانه (بدون تخمه قطعه شده) ۴  
 پیمانه

آب زردآلو ۱ پیمانه

مخلوط گرم عسلی وانیلی و علاقه دارند.  
 علاوه بر این، از آنجا که شیر سرشار از  
 کلسیم و پروتئین است، برای بدن بسیار مفید  
 می‌باشد. چربی شیر باعث لطیف شدن بافت  
 و نیز افزایش کالری آن می‌شود. برای کاهش  
 کالری مضر شیر، می‌توان آن را به نسبت  
 مساوی، با شیر بدون چربی مخلوط کرد.

برای تهیه یک «مخلوط سرد»، شیر و  
 بستنی و میوه را با هم مخلوط کنید. برای این  
 کار می‌توانید با استفاده از دستگاه مخلوط  
 کن که این مواد را در عرض چند ثانیه و به  
 بهترین نحو با هم مخلوط می‌کند، استفاده  
 کنید. پوره و یا آب میوه‌های ترش و اسیدی  
 را کم کم با شیر مخلوط کنید تا احتمال  
 بریدن شیر کمتر شود.

برای تهیه «مخلوطهای گرم»، شیر را  
 روی حرارت ملایمی قرار دهید و آن را با  
 یک همزن فلزی، مرتب به هم بزنید تا رویه  
 نیند. شیر را فقط تا زمان مشاهده بخار، گرم  
 کنید زیرا جوشاندن شیر باعث از بین رفتن  
 طعم آن می‌شود.

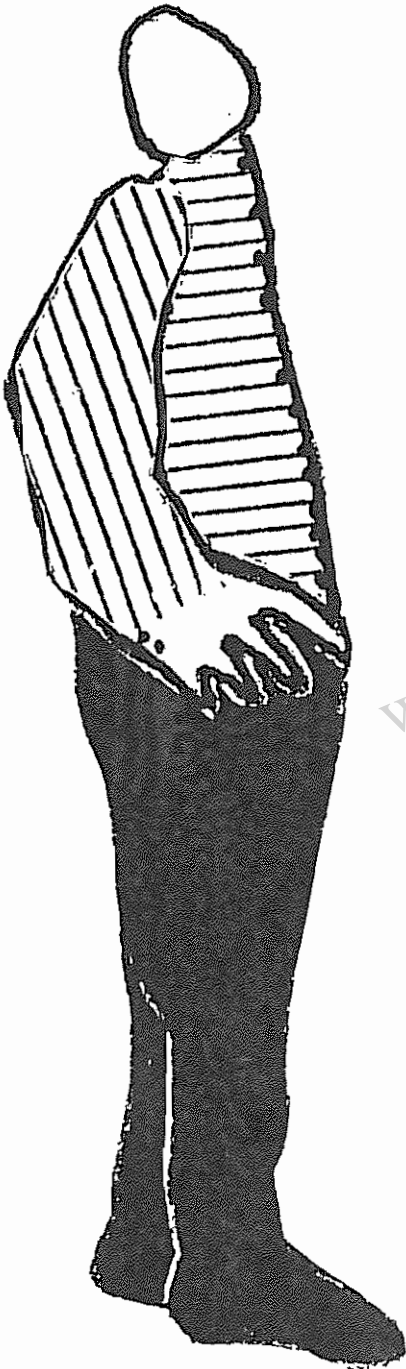
نوشیدنیهای گیاهی

نوشیدنیهای گیاهی بدون کالری است و  
 جانشین مناسبی برای جای محسوب می‌شود.  
 اکثر آنها «کافئین» ندارند. این نوع گیاهان  
 را می‌توان مستقیماً در باغ یا باغچه خانه به

# داوری زن در

## اختلافات خانوادگی (۲)

مینا یادگار آزادی



بازدارند. یا زن در حال عادت ماهانه تمکین داشته باشد.

ولی داوران می‌توانند زن و مرد را از اعمال مستحبه خود منع کنند و انجام امری را که واجب نیست، بخواهند. مانند آنکه بخواهند مرد مهریه را قبل از موعد بپردازد.

آیا فرمان انتخاب حکم لازم است؟

بحثی که در این جا پیش می‌آید، در خود فرمان انتخاب حکم است. اگر بخواهیم به مشرب اصولیان سخن بگوییم، باید این سؤال را چنین مطرح کنیم:

آیا مفهوم امر در آیه شریفه حکمی و جویی را در پی دارد یا خیر؟ اگر وجوب است ارشادی است یا تعبدی؟

برخی امر را در آیه شریفه لازم و واجب شمرده‌اند، به سه دلیل:

اول، چون ظاهر امر طبق نظریه آنان دال بر وجوب است. دیگر آنکه این مورد به خصوص از باب امر به معروف و نهی از منکر است و سوم آنکه این مورد مصداق امور حسیه (اموری که حل و فصل آن منوط به نظر حاکم شرع است، مانند طلاق زنی که شوهرش مفقود شده) است و از موارد لزوم تعیین داور، و یا مراجعه به او.

صاحب جواهر این نظر را برگزیده و آن را مورد اتفاق جماعتی از فقها دانسته است.

نظر دیگر آن است که:

امر، ظهور در وجوب ندارد و مفید استحباب است، زیرا اصل عدم وجوب است.

به عبارت دیگر فقهای ما در دانش اصول، بحثهای دامنه‌داری در باره جمله‌ای که حاوی یک دستور باشد، مطرح کرده‌اند که آیا مفاد آن یک حکم واجب است یا نه؟ به فرض آنکه بگوییم مفاد آن یک حکم

در شماره گذشته، بحث «داوری زن در اختلافات خانوادگی» را مطرح و بررسی دیدگاه رایج در این زمینه را آغاز و تأکید کردیم که هنگام بروز اختلافات خانوادگی، زن برای طرح مسائل خصوصی خود نیاز به یک وکیل آشنا و محرم دارد، بنابراین داور انتخابی او باید زن باشد. در آن مقاله، به کار برد واژه «اهل» در قرآن کریم و نیز به بررسی شروط داور، انتخاب کننده داوران، کیفیت انتخاب، قضاوت یا وکالت بودن دآوری و نتایج این دو و امکان قاضی تحکیم و تشریح شدن زن پرداختیم. اینک ادامه بحث:

حدود و اختیارات داوران:

قسمتی از مباحث ما، در این فصل، به مطالب گذشته در باره تحکیم و یا وکالت... برمی‌گردد، که داوران اگر وکیل محسوب شوند، دایره و حدود اختیارات آنان با قاضی تحکیم تفاوت خواهد داشت.

ولی به استناد نظریه‌ای که برگزیدیم، چهارچوب اختیارات و وظایف داورها روشن می‌شود که می‌توان اصول آن را چنین ترسیم کرد:

۱- تلاش برای ایجاد صلاح بین زوجین.

۲- حق اجرای صیغه طلاق.

۳- در صورت صلح، انجام خواستهایی از شوهر یا زن و یا از هر دو. مانند: مسکن مستقل برای زن، عدم ارتباط یکی از طرفین با بستگان خود، سکونت در شهر خاص، قطع ارتباط با فرد یا افراد مشخصی، و...

اینها در صورتی است که مقررات الزامی اسلام را تغییر ندهند، مثلاً داورها حق ندارند در صورت ادامه اختلاف و شقاق، حق اجرای صیغه طلاق را به زن واگذار کنند یا مرد را از ازدواج مجدد

عدالتی منظور است که حین داوری مراعات شود، نه آنکه داور، عادل باشد. چنان که بعضی از فقها نیز عدالت را شرط داور ندانسته‌اند، ولی داوری باید عادلانه باشد.

الزام آور است، اینجا که یک مصداق از آن است، چنین پیامی ندارد و در این خصوص امر دال بر ارشاد می‌باشد. علاوه بر آنکه مورد از امور دنیوی است که اراده و جوب از آن فهمیده نمی‌شود.

نظر دیگر آن است که اگر صلاح امر خانواده بسته به تعیین داور است، اینجا واجب است و اگر بدون حکم مشکل رفع می‌شود، واجب نیست.

اصولاً به نظر ما امر در آیه شریفه اقتضای وجوب ندارد. قرآن راهی پیشنهاد کرده که در مراحل بحرانی زوجین از آن استفاده کنند. معنای «فابعثوا» آن است که کار را به دادگاه حل اختلاف خانوادگی (حکمیت) سوق دهید.<sup>۱</sup> و جز ارشاد نمی‌توان برداشت کرد.

ولی خارج از این برنامه وضعیت خاص زوجین است که لزوم تشکیل این محکمه را سرعت می‌بخشد و به جوب می‌کشاند.

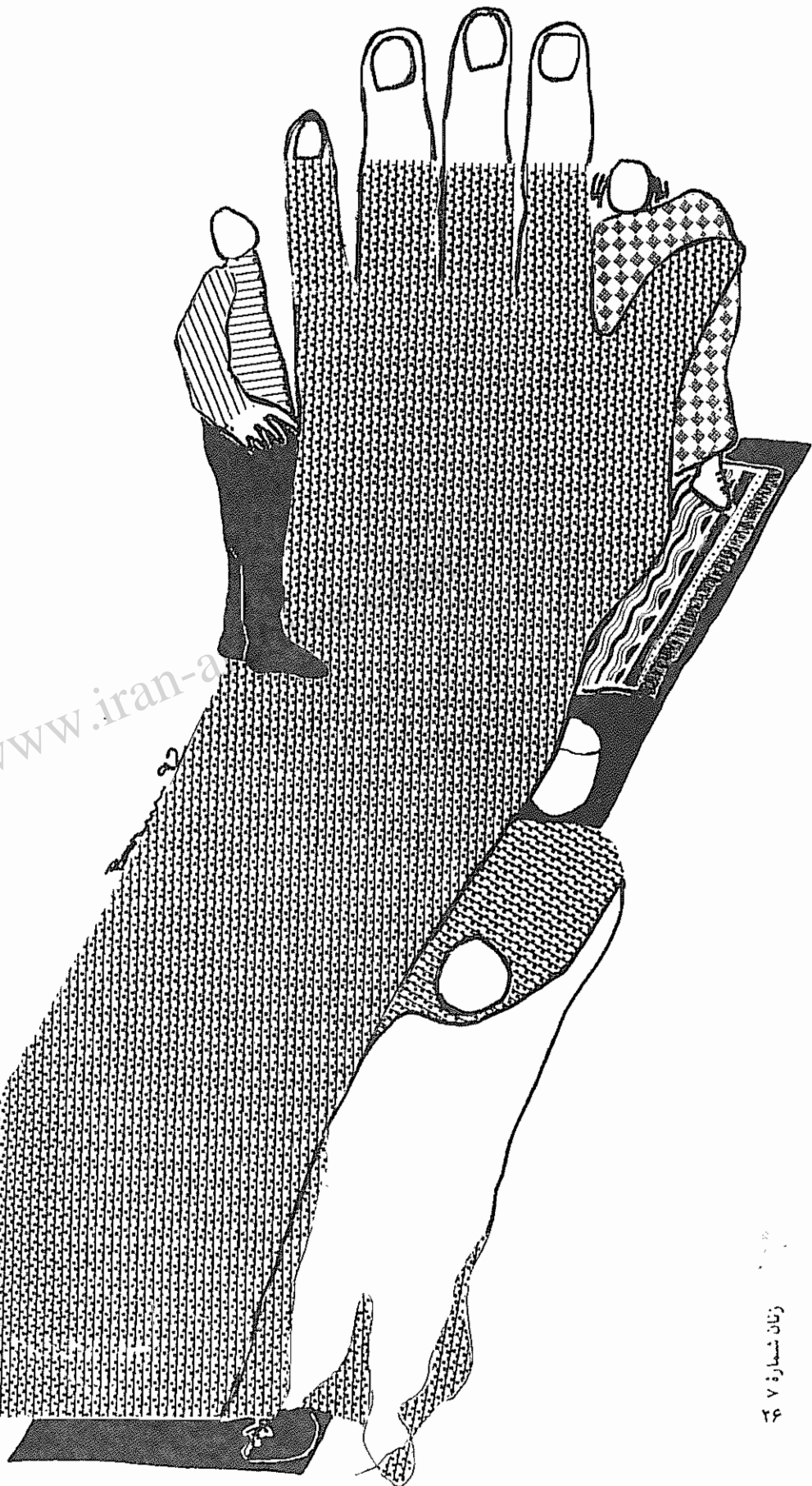
#### تابعیت و اهلیت داوران:

نکته دیگری که پیرامون آن، دیدگاههای گوناگونی ابراز شده، تابعیت و نسبت خانوادگی داوران است.

آیا لازم است حتماً از اهل مرد و زن باشند؟ آیا غیر اهل هم می‌تواند داور باشد؟ برخی در مرحله اول لزوم چنین امری را منکر شده‌اند.

صاحب جواهر می‌نویسد:

«ضرورة عدم اعتبار القرابة في الحكومة و الغرض يحصل بالاجنبی كما يحصل بها



فرق است بین زن و شوهری که با همدیگر فامیل هستند و داوری که از فامیل آنان باشد. ممکن است زن و مرد بستگی فامیلی نداشته باشند، ولی داور باید از اهل آنان باشد.

اجرا می‌شود. اول آنکه داوران خود اجرا کنند و دوم آنکه از بین بستگان شخص دیگری اجرا کنند. در صورت اول حکم و کیل داور است و در صورت دوم حکم با داور است، ولی وکیل شخص دیگری است.

عزل و انعزال داور:

وقتی مرد و زن به اختیار خود داورانی برگزینند آیا می‌توانند عزلشان کنند یا خیر؟ و در چه مواردی خودبه‌خود داورها عزل می‌شوند؟

برای پاسخ به این دو سؤال، صورتهای مختلفی متصور است و در این مقال کوتاه، اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

قاعدتاً در صورتی که مخاطب آیه شریفه زوجین باشند و قصد آنان اصلاح و به داوری مایل و راضی باشند، صحیح به نظر نمی‌رسد که در حین داوری یکی از داورها یا هر دو عزل شوند. اما چون خود داوری را برگزیده‌اند، هر آن می‌توانند داوران را عزل کنند، این در صورتی است که داوران هنوز تصمیمی نگرفته و در جریان رسیدگی قرار داشته باشند، ولی اگر داوری تمام شده و رأی خود را اظهار کرده، یا قصد اظهار داشته باشند، یا به فراست یکی از مرد و زن دریابد چه منظوری دارند، نمی‌تواند داوری را بر هم بزند.

و اگر خطاب قرآن به حکام باشد، صرفاً در اصل انتخاب، رضایت مرد و زن شرط است و دیگر آنان حق عزل او را ندارند. نیز اگر خطاب قرآن به خانواده آنان یا به

حکومت واگذاریم و مخاطب آیه شریفه را آنان بدانیم، ضامن اجرای حکم حکومت خواهد بود و از پشتوانه قدرتمندی بهره‌مند است. و اگر مخاطب را مرد و زن بدانیم، ضامن اجرای حکم داوران تعهد مرد و زن است که یک امر اخلاقی و وجدانی است.

در صورتی که مخاطب، عدول مسلمین (مسلمانان عادل) یا خانواده مرد و زن باشند، ضمانت اجرای حکم قویتر است و با تکیه بر نیروی آنان انجام خواهد شد. گرچه خانواده و یا عدول مسلمین توان اجرای حکم را چنان که حاکم دارد، فاقداند ولی ضمانت اجرائی آنان قوی است و می‌تواند مرد و زن را به پذیرش داوری وادار کند.

بنابراین ضمانت اجرای حکم داوران بستگی به نظرات سابق دارد. تا کدام دیدگاه مقبول و درست باشد؟

چه کسی اجرا کند؟

این مسئله نیز فرع بر مسئله ضمانت اجراست. اگر ضامن اجرای حکم را حاکم و حکومت بدانیم، مجری، حاکم یا نماینده اوست که در این صورت داور، و حکم او وکیل دو تا خواهند بود و در صورتی که زوجین خود به طور اخلاقی ضمانت اجرای حکم را می‌پذیرند، مجری، داورها هستند، که طلاق دهند و یا بازگردانند و در صورت طلاق مهریه را بگیرند یا نگیرند و... در این صورت داورها هم حکم محسوب می‌شوند و هم وکیل و اگر ضامن اجرای داوران بستگان یا عدول مسلمین باشند، به دو شکل

والایه مسوقه للارشاد» بدیهی است که خویشاوندی در داوری اعتباری ندارد و هدف آن با افراد بیگانه هم برآورد می‌شود چنان که با فامیل و آیه به عنوان ارشاد از فامیل سخن گفته است.

او استثنایی قائل شده و آن در صورتی است که اصلاح ذات‌البین منحصر به بستگان باشد، در این صورت واجب است داورها از بستگان زوجین باشند.

دیدگاه دوم آن است که داوران باید از اقارب و بستگان باشند و قرآن نیز همین را فرموده است.

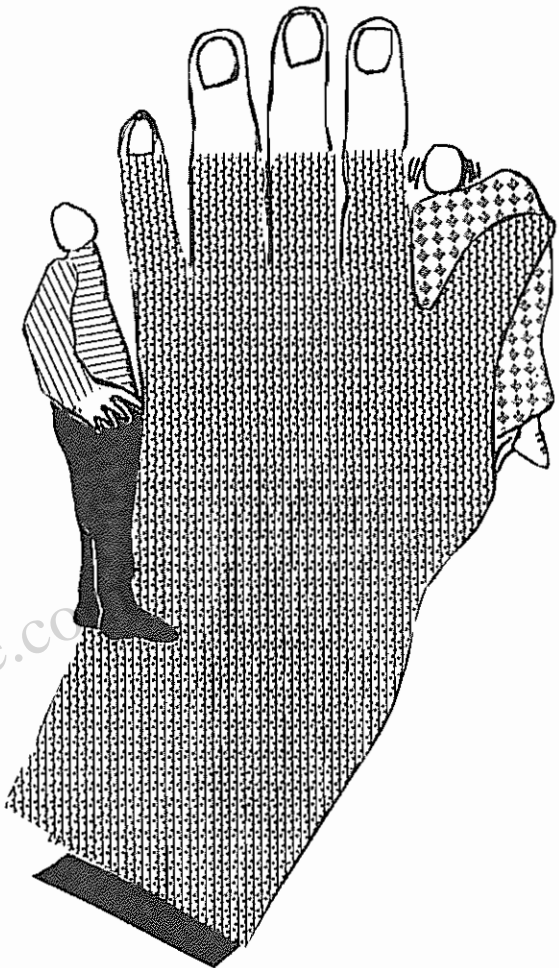
صاحب «ریاض» این دیدگاه را انتخاب کرده و گفته: «جایز است که بیگانه باشند یا به طور مطلق چنان که محقق در کتاب «نافع» گفته است، یا مقید به عدم وجود اهل که قویتر است. طبق نوشته ابن رشد در «بدایه المجتهد» علمای اهل سنت بر این گفته اتفاق نظر دارند که «واجبوا علی ان الحکمین لا یکونان الامن اهل الزوجین». (داوران جز از خویشاوندان زن و شوهر نباشند.)

نکته‌ای که اینجا باید تذکر داد و موجب اشتباه برخی شده، آن است که: فرق است بین زن و شوهری که با همدیگر فامیل هستند و داوری که از فامیل آنان باشد. ممکن است زن و مرد بستگی فامیلی نداشته باشند، ولی داور باید از اهل آنان باشد.

ضمانت اجرا:

اگر انتخاب داوران را به حاکم شرع و

سیر قهقرایی به سوی قانون سال ۱۳۱۸ که قانونگذار قبلی مشکلات آن را دریافته و با ضرورتهای زمانی آن را اصلاح کرده بود، مشکلات را افزونتر می‌کند.



عدول مسلمین باشد، همین حکم را خواهد داشت.

داوران نیز در صورت نداشتن شرایط داوری خود به خود عزل خواهند شد؛ مثلاً: اگر در حین داوری یکی از داورها دیوانه شود.

به نظر می‌رسد تجاوز از حریم عدالت، و داوری به احساس و یا بغض و کینه نیز از موارد عزل شدن خود به خودی داور است.

داور باید بدون حب و بغض و به عدالت و رعایت مصالح و مفاسد احتمالی قضایوتی همه‌جانبه و عادلانه داشته باشد. اگر او بدون رعایت این امور داوری کند، داوری او فاقد اعتبار و ارزش است، و اختلاف به داور دیگری ارجاع می‌شود.

همچنین عزل خود به خود داوران وقتی است که زوجین به توافق رسیده، خود آشتی

کنند. این مفهوم از متن آیه شریفه به خصوص جمله «ان یریدا اصلاحاً» به روشنی قابل اثبات است. ناگفته نماند، عدالتی که از آن بحث به میان می‌آید عدالت معهود و مشهور بین فقهای ما نیست. بلکه عدالتی منظور است که حین داوری مراعات شود، نه آنکه داور، عادل باشد، چنان که برخی از فقها نیز عدالت را شرط داور ندانسته‌اند، ولی داوری باید عادلانه باشد.

نگاهی به قوانین کشورهای اسلامی

در اردن، تونس، سوریه، عراق، لبنان، و مصر به تفصیل در باره داوری خانوادگی بحث شده ولی به صراحت سخن از داوری زن به میان نیامده است. ماده ۱۳۰ قانون مدنی (احوال شخصی) لبنان این است:

«وقتی بین زوجین نزاع یا شقاق پدید آید، و یکی از آنان به حاکم مراجعه کند، او از خاندان طرفین داور می‌گزیند. و اگر کسی از خاندان زوجین نباشد یا یکی از آنان داشته، دیگری فاقد باشد یا آنکه داوران آنان فاقد شرایط باشند، حاکم خود داورانی خارج از بستگان زوجین برمی‌گزیند.

مجلس داوری خانوادگی به دقت سخنان و مدافعات زوجین را استماع و در حل آن می‌کوشد. اگر اصلاح ممکن نبود و تقصیر متوجه شوهر بود، حاکم زن را از مرد جدا می‌کند. اگر تقصیر متوجه زن باشد، از سوی او طلاق خلع به تمامی مهر یا قسمتی از آن واقع می‌شود.»

ماده ۱۳۱: «حکم تفریق که به موجب مواد سابق صادر شده، طلاق بائن محسوب شود.»

ماده ۴۹۱ قانون مدنی عراق می‌گوید:  
 ۱- وقتی یکی از زوجین مدعی شود که از سوی همسرش مورد ستم و ضرر واقع شود، به نحوی که دوام و بقای زندگی با او مقدور نیست یا ادعا کند که با همسرش اختلاف شدید دارد و شیرازه زندگی از هم پاشیده، می‌تواند از قاضی تقاضای طلاق کند.

۲- قاضی قبل از صدور حکم طلاق موظف است داوری از خاندان زن و داور دیگری از خانواده مرد برای آشتی برگزیند.

اگر چنین افرادی نبودند، قاضی از زوجین می‌خواهد دو نفر دیگر برگزینند. چنانچه زوجین در انتخاب داور اتفاق نظر نداشتند، قاضی خود انتخاب می‌کند.

۳- داوران موظفند نهایت تلاش خود را برای آشتی به کار برند و اگر فروماندند، به قاضی حواله دهند و طرف مقصر را در این مورد به قاضی معرفی کنند.

چنانچه داوران خود اختلاف نظر داشته باشند، شخص سومی از سوی قاضی به آنان افزوده (ملاک اکثریت آراست) می‌شود.

۴- وقتی بر قاضی ثابت شد، یکی از زوجین بر دیگری ستم و ضرر وارد کرده و همچنان اختلاف باقی است و داوران نیز در آشتی موفق نشده‌اند و شوهر از طلاق خودداری می‌کند، قاضی خود، زن را طلاق می‌دهد.

اگر زوجه مقصر و مهریه او مدت‌دار باشد، مدت آن بی‌اثر تلقی می‌شود و چنانچه همه مهریه را دریافت کرده باشد دستور می‌دهد، نصف بیشتر آن به شوهر برگردد.

نگاهی به داوری در قانون ایران

از شروع قانون‌گذاری در ایران تاکنون بارها مسأله داوری و همچنین امور مربوط به حفظ و حراست خانواده مورد نظر قانونگذاران واقع و مقرراتی در باره آن وضع شده است:

۱- در ۲۲ اسفندماه ۱۳۰۶ قانون حکمیت در هفده ماده به تصویب رسیده که بر اساس ماده شانزدهم آن مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی ملغی شد.

۲- همین قانون در ۱۱ و ۱۴ فروردین ۱۳۰۸ در ده ماده اصلاح شد. در این دو مورد صحبتی از داوری خانوادگی به میان نیامده است.

۳- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب

۲۵ شهریور ۱۳۱۸ نیز مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰ را به داوری اختصاص داده است.

ماده ۶۴۵ مکرر در مرداد سال ۱۳۳۴ اضافه شد.

ماده ۶۴۹ در آبان ۱۳۴۹ اصلاح شد. ماده ۶۵۰ نیز که الحاقی ۱۳۳۷ است در آبان ۱۳۴۹ اصلاح شد.

ماده ۶۶۰ نیز در آبان ۱۳۴۹ اصلاح شد و ماده ۶۷۷ به موجب ماده ۲۶ قانون مالک و مستأجر ملغی گردید. اصول این قانون همان قانون حکمیت ۱۳۰۶ و اصلاحیه ۱۳۰۸. و برای همه دعاوی مالی و مدنی است که تنها بند ۲ ماده ۶۷۵ و ماده ۶۷۶ آن پیرامون داوری است و از امور خانواده سخن گفته است.

اکنون در صدد بحث پیرامون ایرادها و نقایص این مواد نیستیم، اما اجمالاً می‌توان گفت که ماده ۶۳۴، محکومان دادگاه جنحه و جنایت را ولو به تراضی طرفین دعوی از داوری منع می‌کند در حالی که داوری معنی آن تراضی است و آنان به هر که رضایت دهند (در صورت دارابودن شرایط عامه تکلیفی و قانونی) می‌توانند داور باشند. دیگری ماده ۶۴۵ است که بستگان، وارث و ذی‌نفعان یکی از طرفین دعوی را نیز به طریق قرعه محروم می‌دارد. و حال آنکه اصولاً داور در امور خانواده باید ذی‌نفع و از بستگان متداعین باشند. تبصره ماده ۶۵۰ داور را مقیم حوزه‌ای می‌شمارد که دعوی در آنجا مطرح است و اگر داور خارج از حوزه محل دعوی باشد، مقبول نیست و این از دیدگاه فقه اسلامی اشتباه است.

۴ - قانون حمایت خانواده مصوب پانزدهم خرداد ۱۳۴۶ بیست و سه ماده را شامل می‌شود که تنها مواد ۶ و ۷ پیرامون داوری است.

۵ - آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده مصوب دوازدهم تیر ۱۳۴۶ مواد ۶ تا ۹ از داوری سخن گفته است.

۶ - قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵

بهمن ۱۳۵۳ ماده ۵ - ۸ در باره داوری است.

این قانون حاصل تجربه حدود نیم قرن قانونگزاری است. که پس از اصلاحات چندی بدین صورت تصویب شده است. البته در چند مورد جزئی با فتاوی مشهور مطابقت ندارد. در این قانون تصریح شده که: داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی نمی‌باشد و این نکته بسیار حائز اهمیت است ولی متأسفانه اکنون می‌شنویم آیین دادرسی ملغی شده، دوباره احیا شده است!<sup>۲</sup>

همچنین در آخرین ماده (۲۸) این قانون آمده است: «قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است و همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است.»

۷ - آیین‌نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه حمایت خانواده مصوب دوازدهم فروردین ۱۳۵۴ و آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب سیزدهم اردیبهشت ۱۳۵۴ هیئت وزیران، ماده ۸ تا ۱۰ بحثی در باره داوری دارد.

۸ - لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهرماه ۱۳۵۷ با اصلاحات مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۴ که تنها در تبصره ۲ ماده ۳ آن از داوری به طور مبهم و کلی سخن رفته است.

قانون حمایت خانواده با اصلاحات اندکی که حاصل تجربیات قانونگزاری دوره انقلاب بوده و با حذف یکی دو مورد جزئی که برخلاف فتاوی مشهور است می‌تواند مورد دقت قرار گیرد. الغای این قانون به طور کلی مشکلاتی را به وجود آورد.

سیر قهقرایی به سوی قانون ۱۳۱۸، که قانونگذار قبلی مشکلات آن را دریافته و با ضرورت‌های زمانی آن را اصلاح کرده بود، مشکلات را افزوتر می‌کند. فرهنگ اسلامی و انقلابی اقتضا دارد مسئولان قوانین و

مقررات داوری در امور خانواده را جداگانه تهیه و تنظیم کنند.

یادداشتها:

۱ - در صورتی که ازدواج دوم به حد وجوب برسد.

۲ - راغب اصفهانی می‌نویسد: اصل البعث اثاره الشی و توجیهه يقال بعثه فانبعث، و یختلف البعث بحسب اختلاف ما علق به فبعثت البعیر، اثرته و سیرته «المنجد معنای این واژه را بدین صورت نوشته: بعث بعثاً و تبعأته: ارسله وحده... أُلْبِغْتُ ج یُلْبِغُ یُلْبِغُ و بعث الجیش او کل قوم بعثوا، البعث کالبعث کل قوم بعثوا و منه القول: (بعثه عسکره) او (بعثه سیاسیة) او ثقافیه.

۳ - زن روز. مصاحبه با رئیس دادگاههای مدنی خاص. تهران. شماره ۱۳۶۶. مورخه ۱۳۷۱/۴/۱۳. صفحه ۱۱. ستون دوم.

منابع

۱ - قرآن

۲ - وسائل الشیعه چاپ تهران آخوندی ج ۱۵

۳ - جواهرالکلام ج ۳۱ - چاپ بیروت دارالحیات، اثرات

۴ - مفردات راغب چاپ قم دارالکتاب العلمیه

۵ - قانون مدنی چاپ تهران

۶ - المعنی بالشرح الکبیر ج ۸ ص ۱۶۵ تا ۱۷۲ چاپ بیروت دارالکتاب العربی

۷ - کشفالفتاح ج ۵ ص ۲۰۹ تا ۲۱۱ چاپ بیروت عالم‌الکتاب

۸ - سلسله‌النبایع الفقهیه چاپ بیروت دارالترات

و: الدارالاسلامیه ۱۴۱۰ چاپ اول

۹ - تکملة الوسیله فی احکامالنکاح والطلاق چاپ قم ۱۴۰۳ و مجدداً با تجدید نظر ص ۳۲۰ تا ۳۲۳

۱۰ - بدایه‌المجتهد ج ۲ ص ۹۸ - ۹۹ چاپ بیروت دارالمعرفه نوبت نهم ۱۴۰۹

۱۱ - مستدرک الوسائل چاپ قم، آل‌البیت ج ۱۵ ص ۱۰۵ تا ۱۰۹ چاپ اول ۱۴۰۷

۱۲ - المبسوط جزء چهارم چاپ تهران مکتبه‌المرتضویه ص ۳۳۹ تا ۳۴۱

۱۳ - معنی‌المحتاج ج ۳ چاپ بیروت دارالفکر ۱۳۹۸ قمری ص ۲۶۱

# گلبرگهای پلاسیده

می‌کند و بعد طوری به من نگاه می‌کند که زیر نگاهش کمرنگ می‌شوم و تار. حالا باید یالش را بیاورد جلو بریزد روی سینه‌اش که معلوم نباشد. پس آن که یالش بلندتر است، منم.»  
دکتر گفت: «خرج عملت زیاد نمی‌شود. نگران نباش. با شوهرت صحبت می‌کنم.»  
سر تکان دادم. بغض راه نفسم را می‌گرفت.

گفت: «نمی‌دانم چرا آدمها نسبت به بعضی از نقاط بدنشان این قدر حساسند. حالا اگر می‌گفتم سه چهارم کبدت را باید بردارم، اصلاً عین خیالت نبود اما چون سینه‌ات است، وسواس به خرج می‌دهی.»

یک کبوتر سفید از روی شاخه می‌پرید و پسرکی با کلاه نارنجی و لباس نارگری سبز به مرغها دانه می‌داد. صاحب مغازه آمده بود پشت شیشه و نگاهم می‌کرد. دوست جواد بود. با هم قرار گذاشته بودند هر وقت خانه‌همدیگر بروند هر چیز هوس کنند، همان لحظه پخته شود. دفعه پیش که آمد خانه‌ما، هوس فسنجان کرده بود. یک هفته دستم به خاطر پوستهای گردو سیاه بود.

جلوی در خانه‌ای، مردی با پیژامه ایستاده بود و باغچه کنار خیابان را آب می‌داد. فشار آب آنقدر زیاد بود که احساس کردم گلها زیر فشار آب له می‌شوند و سرشان را خم می‌کنند. به باجه تلفن رسیدم. فکر کردم بهتر است تلفنی به جواد بگویم. این طوری راحت‌تر است، دیگر نگاهم نمی‌کند، و من هول نمی‌شوم. می‌گویم حالا باید تصمیم بگیرم. احتیاج به آرامش دارم. سه نفر توی صف تلفن بودند. مردی که کلاه نمدی چرکی، به سرش بود و توی سبدش نانهای داغ داشت از همه جلوتر بود. اصلاً چطور است به جواد بگویم بیاید همین جا، کمی قدم بزنیم، بعد یک ساندویچ بخوریم و برویم خانه. شاید حوصله نداشته باشد اما خوب مگر چه می‌شود یک شب هم بیرون از خانه.

از پشت شیشه، ویرترین مغازه را نگاه می‌کردم. به دیواره ویرین، ساعتی آویزان بود که عددهایش را از چوب تراشیده بودند و عقربه‌های سنگی داشت. فکر کردم عقربه سنگی باید خیلی کند حرکت کند. دلم می‌خواست آن را داشته باشم. زیر آن یک تقویم رومیزی بود با بدنه مرمر و کاغذهای سفید کوچک که روی هر کدام یک پند نوشته بود.

آنچه ندارد عوض ای هوشیار  
عمر عزیز است غنیمت شمار  
به برگه‌های تقویم که ورق می‌خورد خیره شده بودم. دکتر پشت میز نشسته بود و با دستهای بزرگش که موهای سیاه زبری داشت با تقویم بازی می‌کرد و می‌خواست تاریخ عمل را تعیین کند. حتماً می‌دانست که چند برگ تا آخر سال باقی مانده و در کشوی میز تقویم سالهای آینده را هم داشت که همه آنها را تک تک ورق می‌زد و به همه اطمینان می‌داد که زنده خواهند ماند و نباید نگران باشند. وقتی از اطاق بیرون می‌آمدم پشت سرم داد زد:

- فعلاً یک سفری، چیزی برو تا روحیه‌ات عوض شود.  
به مجسمه‌ها نگاه کردم که هر کدام اسمی داشت: دختر گل فروش، نخل آشفته، اردک خندان، و چشمم به مجسمه دو اسب افتاد. دو تا اسب سفید روی یک پایه ایستاده‌اند اما انگار که شیشه می‌کشند و می‌دوند.

من گفتم: «آن که یالش بلندتر است، منم.»  
جواد گفت: «نه او بیشتر خیز برداشته و قویتر است، پس

منم.»  
من گفتم: «آن که یالش بلندتر است، منم.»  
جواد گفت: «نه او بیشتر خیز برداشته و قویتر است، پس منم.»  
حالا باید بگویم: «جواد یکی از اسبها شکسته.» حتماً اخم





## رؤیا شاپوریان

می گویم: «جواد، رفتم پیش دکتر.»

«خوب!»

همیشه می گوید حاشیه نرو، اصل مطلب را بگو. معطل نکن. بگذار کمی معطل من شود. می گویم: «جواد از جلو مجسمه فروشی رد شدم دو تا اسبها هنوز کنار هم بودند، شیهه می کشیدند و فرار می کردند. قوی بودند.»

دکتر گفت: «اصلاً ترس. خیلی ها این مسئله را دارند. شما خانم عاقلی هستی، باید دو تا کفه ترازو را در نظر بگیری. یک طرف این است که سینهات را برداری و راحت به زندگی برگردی. یک طرفش هم این است که تومور بزند به ریهات و تنگی نفس بگیری و زندگی را خراب کنی.»

مادر روی تخت بیمارستان نشسته بود و با چشمهای مات مرا نگاه می کرد. حتی وقتی چشمهایش را می بست، خیرگی نگاهش توی وجود آدم می ماند. دور و بر تختش راه می رفتم و گلهایی را که برایش آورده بودند، جابه جا می کردم، گلبرگهای پلاستیک را دور می ریختم و آب گلدان را عوض می کردم. دکتر گفته بود سر تخت را بالا بگذارند تا بهتر نفس بکشد، اگر دراز می کشید، دیگر نمی توانست تنفس کند.

پسر بچه ای که پشت سرم بود گفت: «بفرمایید، نوبت شماست.»  
گفتم: «اصلاً تو تلفن بزن. حتماً مادرت برایت نگران است. من می روم باجه بعدی.»

دختر کوچولویی با مادرش از مقابلم می آمدند. دست مادرش را می کشید و می گفت: «اگر برایم توپ نخری با تو خانه نمی آیم.» مادرش جوان بود و صورتش آرایش غلیظی داشت و برجستگی سینه هایش از زیر مانتو مشخص بود. از جلوی یک بستنی فروشی گذشتم. بستنی سنتی، بستنی ایتالیایی، فالوده، آب میوه. برگشتم.

آقا یک بستنی سنتی بدهید.

می خواست بقیه پول را تو دستم بریزد. دستم را عقب کشیدم

تا بگذارد روی میز. اولین قاشق بستنی را که به دهان گذاشتم، سردیش گلویم را زد.»

خانم صندلی خالی هست، بفرمایید.

دو تا سرباز سر یک میز نشسته بودند و میز کناریشان خالی بود. قبل از نشستن، پایم به میز گیر کرد و نزدیک بود بیفتم. یکیشان گفت: «نمی دانست ما دو نفریم، و الا با دوستش می آمد.»

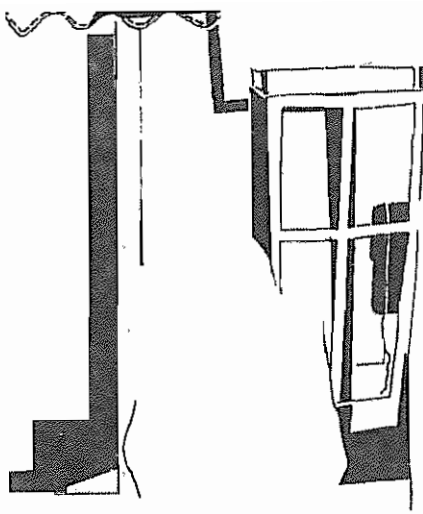
کیفم را کنارم گذاشتم و خودم را روی صندلی جا به جا کردم. دلم می خواست آینه ام را از کیف درآورم و صورتم را نگاه کنم، نمی شد.

سربازی که سیلهایی حنایی رنگ داشت به آن یکی گفت: «من حالا فکر این هستم که بلکه بروم یک شهرستان، کازرونی، جایی، که دوره خدمتم کوتاه شود.»

من که شش ماه بیشتر از خدمتم نمانده، تو که اول کاری یک فکر حسابی بکن. برو برگه شرایط معافی را بگیر. یک چیزی برای خودت جور کن.

آقا جانم می گوید تا نیروی سربازی، آدم نمی شوی.

قاشق دیگری از بستنی به دهان گذاشتم. خامه اش را زیر



گذاشت جلویش. آن را برداشت و راه افتاد. وقتی از کنار من رد شد، گفت: «می‌خواستم یار تو باشم، نه‌ام نگذاشت.»  
 خواستم بلند شوم اما بستنی‌ام تمام نشده بود. سرباز پشت سرم هنوز با هیجان حرف می‌زد: «بهتر از همه، نقص عضو است. برو یک پایت را قطع کن، معافی بگیر. بعد جایش پای مصنوعی بگذار، عوضش دو سال از زندگی را دزدیدی، مال خودت می‌شود. اصلاً می‌دانی معده هم اگر نداشته باشی، معاف می‌کنند. بین می‌توانی در این شکم صاحب مرده را تخته کنی؟ برو بگو سرکار، ما علیم، ذلیم، به ما رحم کنید، کله‌مان خالی است، دستمان خالی است، شکمان خالی است.» و بلند بلند هم می‌خندید.

مجسم می‌کردم که آن یکی روبرویش نشسته و چشم به دهان او دوخته تا برای زندگی‌اش تکلیفی پیدا کند. قاشقم به کف ظرف می‌خورد، بستنی آب شده بود و از تو قاشق سر می‌خورد اما نمی‌خواستم ازش صرفنظر کنم.

اگر توی خانه بودم بقیه‌اش را سرمی‌کشیدم. بلند که شدم سرم گیج رفت. کفه‌های ترازو پیش چشمم جا به جا می‌شد. ضعف و درد و خستگی یا یک عمل ساده؟ باید تصمیم می‌گرفتم.  
 از مغازه که می‌آمدم صاحب مغازه گفت: «خوش آمدید.»  
 پشت سرش توی یک گل‌دان سه تا شاخه گلایل بود با ساقه‌های بلند که هر کدامش چند غنچه باز نشده داشت. فکر کردم اگر گلبرگهای پلاسیده‌اش را بکنند غنچه‌هایش زودتر باز می‌شود و رشد می‌کند.

دندان خرد کردم و قورت دادم.

به دکتر گفتم: «روی بچه‌دار شدنم اثر نمی‌گذارد؟»

- اصلاً نگران نباش. جوان هستی و خوب از پس بیماریت

برمی‌آیی.

زنی که کنار مادر توی بیمارستان خوابیده بود، تمام تنش پر از لکه‌های قهوه‌ای رنگ برجسته بود. اول فکر کرده بودند جذام است و شوهرش رفته بود غیابی طلاقش را داده بود، بعد فهمیده بودند یک مرض پوستی قابل علاج است. هربار، تیرآهنهای سفت اطاق را نشان می‌داد و می‌شمرد و می‌گفت: «به عده اینها بچه داشتم. همه را دادند به شوهرم.» پیرمردی عصازنان وارد مغازه شد. متلکی به صاحب مغازه گفت و به پهنای صورتش خندید. مرد یک لیوان فالوده

## بزودی ما را خواهید شناخت!

تلفن: ۸۳۹۱۵۱



طرح و اجرای:  
 نشانه، سرکاغذ،  
 کارت ویزیت،  
 پاکت، بروشور،  
 کاتالوگ، بوستر،  
 بسته‌بندی،  
 برچسب، روی جلد  
 کتاب و مجله،  
 صفحه‌آرایی کتاب  
 و مجله،  
 تصویرسازی،  
 انواع تقویم  
 و سررسید نامه،  
 آگهی تبلیغاتی،  
 عرقه برای  
 نمایشگاه و عکاسی  
 تبلیغاتی و صنعتی



# خبرهای تکان دهنده درباره ماموگرافی

## پس زنان چه باید بکنند؟

جمع آوری شد، کاهش نیافته است. این آمار از این قرار است: ۴۰ درصد از زنانی که مبتلا به سرطان سینه می‌شوند، جان می‌سپارند. پزشک و محقق به نام جان مک داگل فراتر می‌رود و اظهار می‌دارد که در بیش از ۹۰ درصد از موارد ابتلا به سرطان سینه، علت نهایی مرگ همان سرطان سینه است (تنها ده درصد بقیه به علل دیگر فوت می‌کنند).

حتی این ارقام ناراحت کننده ممکن است باعث امیدواری باشد زیرا این امکان وجود دارد که بسیاری از آنان هرگز مبتلا به سرطان نبوده‌اند. ماروین اشنیدرمن عضو «آکادمی علوم» اظهار می‌دارد که بعضی پزشکان مواردی را تشخیص می‌دهند که واقعاً سرطان نیست اما آن را سرطان می‌نامند و مسلماً به این ترتیب درصد بهبود یافتگان افزایش می‌یابد. مثلاً به این شکل که خانمی ماموگرافی می‌کند. ماموگرام خبر از توده‌ای می‌دهد که به نظر خطرناک می‌رسد. کسی نمی‌داند که آیا این توده به سرطانی تهدیدآمیز منجر می‌شود یا نه. سپس برآمدگی پس از مدتی از بین می‌رود. شاید پس از اینکه او تحت شیمی‌درمانی و یا اشعه قرار

سرطان سینه بسیار متداول است. در سال ۱۹۶۰ میلادی از هر ۲۰ زن یکی به سرطان سینه مبتلا می‌شد. اما اکنون این رقم افزایش یافته است یعنی از هر نه زن یکی به آن مبتلا می‌شود. بر طبق آمارهای «جامعه سرطان‌شناسان آمریکا» از سال ۱۹۶۹ میلادی به طور شگفت‌انگیزی ۱۷۸ درصد افزایش ابتلا به سرطان سینه وجود داشته است. تنها در سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ سرطان سینه (به طور هشداردهنده‌ای) ۳۲ درصد افزایش داشته است. سرطان سینه علت عمده مرگ بانوان ۴۰ تا ۴۵ ساله است.

بنابر گفته دکتر سیدنی کاتلر آمارشناس «انستیتو ملی سرطان»، کشف سریع این بیماری برای جلوگیری از شیوع بی‌رویه آن، که طی سالهای اخیر شاهد آن بوده‌ایم، راه‌حلی ارائه نمی‌دهد. سرطان سینه تا چه حد قابل درمان است؟ دکتر پتر اسکرابانک محقق دانشگاه دوبلین معتقد است مدرکی دال بر این که سرطان سینه علاجه‌ناپذیر است، در دست نیست. اما علی‌رغم جنگ بیست‌ساله چندصد میلیارد دلاری علیه سرطان، میزان تلفات حاصل از این بیماری از دهه ۱۹۳۰ که برای اولین بار آمارها

بانویی بسیار سرحال و پرتحرک، سرپرستار ۴۰ ساله یک بیمارستان بزرگ در حالی که سروده‌های زیبایی را زیر لب زمزمه می‌کند، موهایش را شانه می‌زند. سپس سینه‌هایش را مورد معاینه ماهیانه قرار می‌دهد. ناگهان زمزمه‌اش قطع می‌شود. با قیافه‌ای متحیر رادیو را خاموش می‌کند، اشکی را که در چشمانش حلقه زده فرو می‌نشاند و ترسش را می‌بلعد و جهت انجام ماموگرافی فوری با پزشکش که متخصص بیماریهای زنان است تماس می‌گیرد.

کشف سریع و انجام معالجات مربوط به سرطان سینه تعداد نجات یافتگان را تا سطحی غیرقابل پیش‌بینی (حدود ۱۰۰ درصد) افزایش داده است. بسیاری از پزشکان عقیده دارند که سرطان سینه بهبودیافتنی است. برای بهبود باید آن را بیابید و این همان چیزی است که می‌تواند زندگی‌تان را نجات دهد.

ای کاش چنین بود اما متأسفانه کشف سریع سرطان سینه باعث طول عمر نمی‌شود و در این میان ماموگرافی نه تنها مؤثر نیست بلکه روش مورد اطمینانی هم به حساب نمی‌آید.

● اکثر بیماریهایی که به اصطلاح زود کشف می‌شوند و نام سرطان می‌گیرند، هرگز در طول زندگی عادی، بیماری خطرناکی محسوب نمی‌شوند.

● علم پزشکی امروز، هنوز به درستی نمی‌داند چه نوع پرتوهایی برای بافت سینه بی‌خطر است.



می‌گیرد، دیگر اثری از بیماری مشاهده نمی‌شود و در آمارگیری، او از افرادی به شمار می‌آید که بهبود یافته‌اند. در صورتی که شاید هرگز مبتلا به سرطان نبوده است.

بیولوژیستی بنام موریس فاکس می‌نویسد: «اکثر بیماریهایی که به اصطلاح زود کشف می‌شوند و نام سرطان می‌گیرند هرگز در طول یک زندگی عادی، یک بیماری خطرناک محسوب نمی‌شوند.»

روشهایی مثل معاینه سینه به وسیله خود بانوان و یا ماموگرافی که باعث کشف سریع بیماری می‌شود لزوماً طول عمر را افزایش نمی‌دهد بلکه ممکن است بدین ترتیب فقط مدت زمانی که خود از بیماری خود مطلع است و تحت معالجه قرار می‌گیرد افزایش یابد. دکتر مک داگل عقیده دارد: «ذی‌نفعان اصلی کشف زودتر بیماری کسانی هستند که هم‌اکنون جهت کار برای معالجه بیماران تا پیش از مرگشان وقت بیشتری در اختیار دارند.»

#### تشخیص مهلک

- طی معاینه‌ای که ماهانه از سینه‌هایم به عمل می‌آوردم، توده‌ای برجسته یافتیم. آن

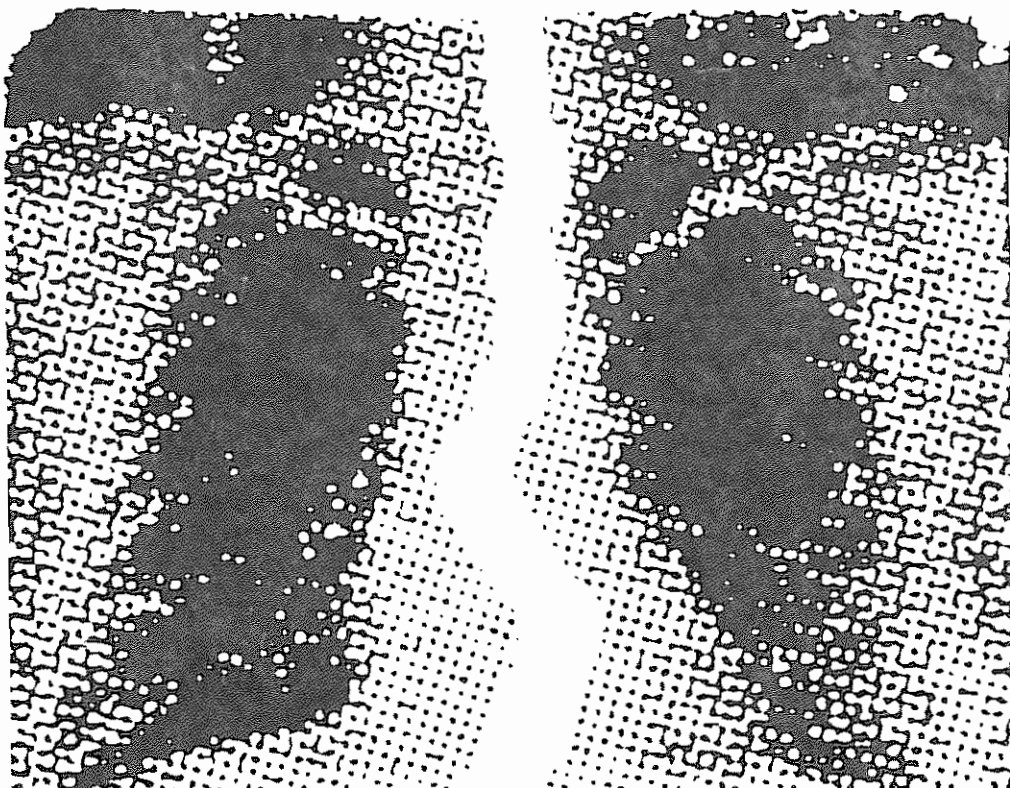
زمان کمی بیش از ۳۰ سال داشتیم. فوراً پزشکم را در جریان گذاشتم. خوب به خاطر دارم که ۱۵ سال پیش چگونه عرق‌ریزان، گریه‌کنان و واقعاً وحشتزده به مطب او رفتم. البته چیزی نبود جز تغییرات ماهانه، و اطمینان خاطر پر لطف پزشکم من، هم آرامش‌بخش بود، هم توهین‌آمیز بود. من احمق.

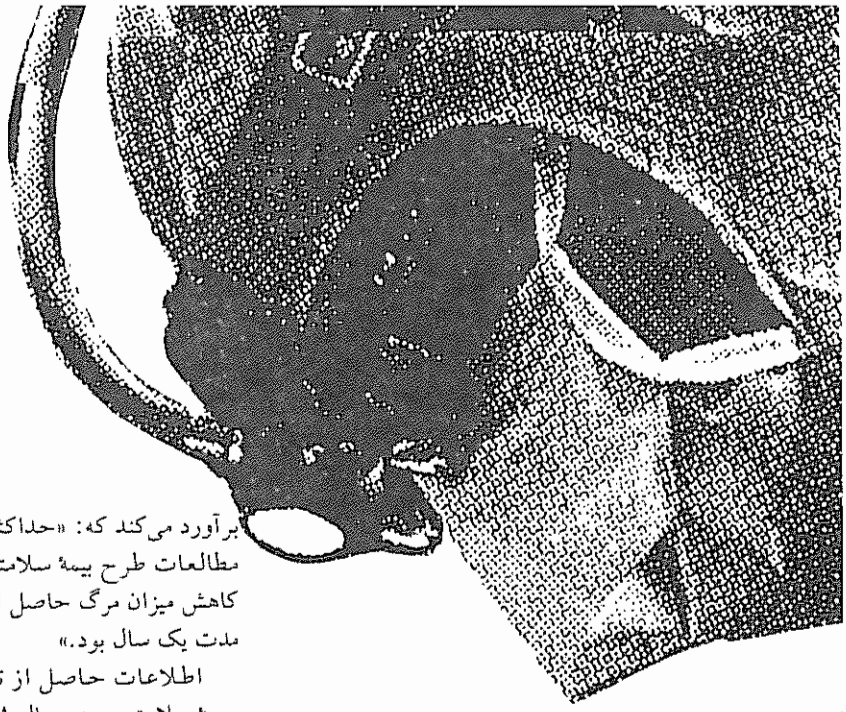
مبارزه جهت انجام معاینه ماهانه، زمینه را فقط برای سرزنش کردن مبتلایان فراهم می‌کند. به ما می‌گویند که اگر وجود توده‌ای را زود تشخیص دهیم، در واقع جان خود را نجات داده‌ایم و بر اساس همین استدلال اگر در اثر ابتلا به سرطان جان بسیاری مقصر خودمان هستیم. اما این فرضیه غلط است. اندازه یک توده سرطانی هیچگونه ارتباطی با کشف سریع آن ندارد. بسیاری از تومورهای کوچک بد غده چرکی مهلکند و ثابت شده است که بسیاری از انواع بزرگ آنها بی‌خطرند. فایده معاینه ماهانه هنوز ثابت نشده است. طبق مطالعاتی که استرالیاییها، ژاپنیها و انگلیسیها بر روی تعداد بازماندگان انجام داده‌اند، هیچگونه تفاوتی بین زنانی که معاینه ماهیانه انجام داده‌اند و آنها که انجام

نداده‌اند به دست نیامده است.

آقای فرانک، متخصص آمارهای حیاتی، در سال ۱۹۱۵ در یکی از مقالات مجله «لنست» نوشت: «ضرر معاینه ماهیانه از فایده آن بیشتر است و این ضرر نسبتاً زیاد عبارتست از دلواپسی و وحشت ماهیانه، تکه‌برداری و همچنین ماموگرافی بی‌مورد. تأثیر آن بر روند بیماری چیست؟ حقیقت تلخ این است که پیشرفت بیماری را تسریع می‌کند. از حدود سالهای ۱۹۷۶، افراد بسیاری از جمله جان بایلر سوم سردبیر پیشین «ژورنال انستیتو ملی سرطان» اظهار کردند که استفاده مرتب از ماموگرافی برای شناسایی زنان مشکوک به ابتلا به این بیماری، ممکن است به همان اندازه که برای حفظ جان افراد مفید است، مضر باشد.

در حال حاضر جامعه سرطان‌شناسان آمریکا برای تمام زنان چهل سال به بالا ماموگرافی مرتب پیشنهاد می‌کند. این سیاست عمدتاً بر اساس مطالعات سال ۱۹۶۴ «طرح بیمه سلامتی» که شامل حال ۶۲ هزار زن بود و همچنین نتیجه مطالعات سوئدیها که به نفع زنان پنجاه سال به بالا بود، پی‌ریزی شده است. دکتر اسکرابانک





سینه منجر می‌شود، اشتباه است.

«پروژه تشریح سرطان سینه» با مسئولیت «انستیتو ملی سرطان» و «جامعه سرطان‌شناسان آمریکا»، ۴۸ نتیجه مثبت داشت که اشتباه بود. یعنی به ۴۸ زن گفته شده بود که مبتلا به سرطان سینه هستند در صورتی که چنین نبود و از این تعداد حداقل ۳۷ تن سینه‌های سالمشان را برداشته بودند. دکتر ام. مارین رابرتز مدیر «پروژه بازشناسی سینه‌های سرطانی» اذینبورک در

برآورد می‌کند که: «حداکثر فایده حاصله از مطالعات طرح بیمه سلامتی تنها یک درصد کاهش میزان مرگ حاصل از سرطان سینه در مدت یک سال بود.»

اطلاعات حاصل از تحقیقات «طرح بیمه سلامتی»، در سال ۱۹۸۸ مجدداً مورد بررسی واقع شد و ادعا شد که نتیجه این مطالعات، به نفع زنان زیر ۵۰ سال است. به هرحال بایلر محقق این تحلیل جدید را «کاملاً باطل» اعلام کرد و سوئدیها و هلندیها هم موفق نشدند با مطالعات خود این نتایج را تایید کنند. از طرف دیگر شواهد مهمی در دست است که ثابت می‌کند زنان جوانتری که مکرراً در معرض اشعه خفیف و اشعه «(که جهت ماموگرافی استفاده می‌شود) قرار می‌گیرند، احتمال ابتلایشان به سرطان سینه دوبرابر زنان مسن‌تری است که در معرض همان مقدار اشعه قرار می‌گیرند.

یکی از نتایج مطالعات «طرح بیمه سلامتی» که زیاد انتشار نیافت، این است که ماموگرافی حدود ۴۰ درصد از موارد سرطان سینه را تشخیص نداده است. معمولاً حدود ۱۱ الی ۲۵ درصد از پانسخه‌های منفی ماموگرافی اشتباه است. این بدان

معناست که تقریباً یک چهارم از زنانی که سالم تشخیص داده می‌شوند در واقع به سرطان سینه مبتلا هستند. همچنین آمار نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از پاسخه‌های مثبت که به دلرواپسی، تکه‌برداری و حراحیهای غیر ضروری جهت برداشتن

شد که زنان میانسالی که به طور منظم ماموگرافی می‌کنند بیشتر از کسانی که این کار را نمی‌کنند احتمال دارد بر اثر ابتلا به سرطان سینه فوت کنند. در حالی که حتی یک کلمه از نتایج حاصل از این تحقیقات در مطبوعات امریکا منتشر نشد، مجله «ساندی تایمز» لندن در تاریخ دوم ژوئن ۱۹۹۱، فعالیتهای انجام گرفته از سوی «موسسه ملی بازشناسی سرطان سینه» به مسئولیت انستیتو ملی سرطان کانادا» را تشریح کرد. طی این تحقیقات ۵۰ هزار زن ۴۰ الی ۴۹ ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ تحت نظر قرار گرفته بودند. طبق برآورد این مقاله نتایج حاصله باید تا دسامبر ۱۹۹۱ در یک ژورنال تخصصی منتشر می‌شد. به هرحال پروفیسور آنتونی میلر، مسئول این تحقیقات ابراز داشت که مقاله حداقل شش ماه دیرتر منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد اعلام نظریه ایجاد سرطان به علت انجام ماموگرافی، بخشی برپا خواهد کرد و محققین اطلاعات و نتایج خود را پیش از آنکه با خشم همکارانشان مواجه شوند، مجدداً بررسی می‌کنند. مهمتر اینکه نتایج تحقیقات کاناداییها بدون زمینه قبلی هم نبوده است: تحقیقات مطالعات محدودتر پیشین که در سپتامبر سال ۱۹۸۹ در مجله «آنالیز اینترنال مدیسین» منتشر شد نشان می‌داد که مرگومیر حاصل از سرطان سینه بین زنان ۵۵ ساله‌ای که ماموگرافی می‌کردند بیشتر از زنانی بود که این کار را نمی‌کردند.

طی تحقیقات ده ساله «طرح بیمه سلامتی» کشف شد آن گروه از زنانی که ماموگرافی را نپذیرفته بودند درصد ابتلاشان به سرطان سینه و میزان مرگ و میرشان در اثر این بیماری نسبت به گروهی که



ماموگرافی کرده بودند بسیار کمتر بود. برآوردی که هرگز منتشر نشد.

اخطارهایی که در مورد خطرات ماموگرافی می‌شود برخاسته از انتقاداتی کاملاً بجاست. ساموئل اپستین، محقق استاد رشته پزشکی محیط زیست و پزشکی حرفه‌ای توصیه می‌کند: «علی‌رغم هرچه که به شما گفته می‌شود، انجام ماموگرافی مرتب برای کشف سریع سرطان، ادرکنید، به خصوص اگر هنوز یائسه نشده‌اید. اشعه X ممکن است واقعاً احتمال ابتلای شما به سرطان را افزایش دهد.» دکتر جان کی. گوماگان استاد رشته رادیولوژی، در سال ۱۹۸۸ پیش‌بینی کرد کاهش سن پیشنهادی برای انجام ماموگرافی همگانی از ۵۰ سال به ۴۰ سال، موارد ابتلا به سرطان سینه ایجاد شده از طریق پرتونگاری را حدود ۳۰۰ درصد افزایش می‌دهد. دکتر استرابانک هشدار می‌دهد به زنان در مورد خطر بالقوه ابتلاشان به سرطان در اثر همان آزمایشی که جهت تشخیص این بیماری انجام می‌شود چیزی گفته نشده است. چارلز رایت محقق دانشگاه «ساکسچوان» نوشته است: «با در نظر گرفتن ضروری که ماموگرافی متوجه بیماری سرطان سینه ساخته است، هم‌اکنون اطلاعات کافی جهت رد پیشنهادات «جامعه سرطان‌شناسان آمریکا» در دست است.»

با اینکه از دهه ۱۹۷۰ مقدار اشعه ناشی از ماموگرافی که زنان در برابر آن قرار می‌گیرند کاهش یافته است، اما با توجه به وجود تجهیزات و روشهای پیشرفته، مقدار واقعی اشعه حاصل از یک ماشین مشخص به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. تحقیقاتی که در سال ۱۹۸۸ بر روی وسایل ماموگرافی صورت گرفت نشان‌دهنده اختلاف میزان اشعه آنها بود. تعداد قابل ملاحظه‌ای از ماشینها اشعه بیشتر از حد لازم به کار می‌بردند. به علاوه، علم پزشکی امروز هنوز به درستی نمی‌داند که چه نوع پرتوهایی برای بافت سینه بی‌خطر است و سرطان! سینه تولید نمی‌کند. ایروین ب. اس متخصص آمارهای حیاتی در سال ۱۹۷۷ بیان کرد: «اتحادیه مؤسسات بزرگ علمی، تشکیلات صنعتی» و هم‌پیمانانشان، ۲۵ سال در باره مخاطرات پرتونگاری خفیف به مردم دروغ گفته‌اند.»

دکتر جان و. گافمن کارشناس بین‌المللی پرتونگاری می‌نویسد: «شواهد محکمی در دست است که ثابت می‌کند خطر سرطان در

مقدار کم پرتونگاری بیشتر از مقدار زیاد آن است.» اما خوب می‌دانیم که آسیب حاصل از پرتونگاری مضاعف است و دیگر اینکه در میان بافتهای انسانی، بافت سینه پس از بافت جنینی حساسترین بافت در برابر پرتونگاری است.

ماموگرافی خطرناک و بی‌ثمر است و ما حتی نمی‌توانیم بگوییم که در این مورد به ما اخطار نشده است. دکتر براس، در سال ۱۹۷۷ قبل از تشکیل یک کمیته فرعی که مسئولیت تحقیق بر روی پروژه تشریح سرطان سینه را بر عهده داشت تصدیق کرد: «قرار گرفتن در معرض اشعه تشخیص X، نتیجه‌ای جز اپیدمی ناشی از معالجات پزشکی در تاریخ سرطان سینه نخواهد داشت.»

### خطر بزرگ

«خطر بزرگ» به چه معناست؟ این نظریه تجربی و نسبی است. وقتی ۳۹ سال داشتم به من گفتند که یک به ۱۳۹ درصد احتمال دارد که فرزندی به دنیا بیآورم که نارسایی داشته باشد و احتمال این خطر زیاد است. آن زمان وقتی از انجام (آزمایشی که قبل از تولد برای تشخیص نارساییها صورت می‌گیرد، سر باز زدم، قابله‌ها همان قدر نگران شده بودند که هم‌اکنون پزشکم در برابر پاسخ منفی من برای انجام ماموگرافی در سن ۴۵ سالگی نگران شده است. به نظر من احتمال یک به نه (احتمالی که برای همه زنان ما وجود دارد) برای ابتلا به سرطان سینه به اندازه کافی خطر بزرگی است و من نمی‌خواهم بدون وجود هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای، با قراردادن سینه‌هایم در معرض اشعه ایکس، این خطر را افزایش دهم. در سال ۱۹۸۲ وقتی امکان ابتلا به سرطان سینه فقط یک به یازده بود، یک سخنگوی جامعه سرطان‌شناسان امریکا گفت: «تمام زمان باید چنان تحت معالجه قرار گیرند که گویی خطر سرطان سینه به طور محسوس آنان را تهدید می‌کند.» مطالعات سرطان‌شناسی به ما می‌گوید که اگر خواهر، مادر، مادر بزرگ، عمه و یا خاله ما به سرطان سینه قبل از یائسگی مبتلا بوده‌اند و یا خودمان مبتلا به سرطان سینه بوده‌ایم در معرض خطر بیشتری خواهیم بود. حال قضیه را به گونه‌ای دیگر بنگریم. دکتر بایرل طی مقاله‌ای که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رساند پیش‌گویی کرد: «آن دسته از زنانی که برای پیشگیری از خطر سرطان سینه بیشتر ماموگرافی می‌کنند، بیشتر در معرض خطر

### قرار دارند.»

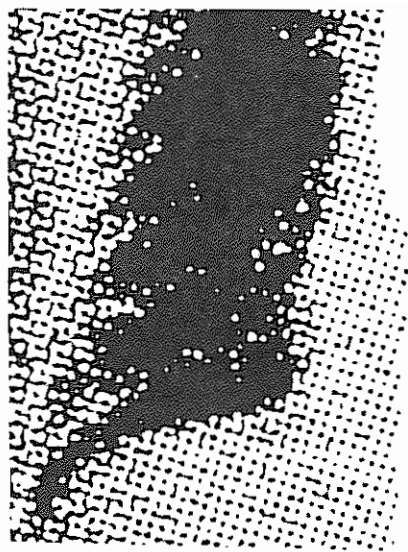
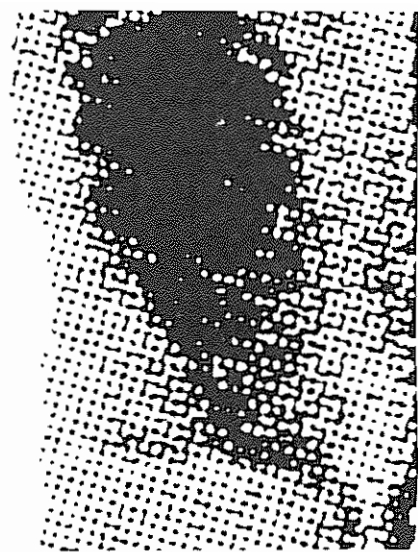
علی‌رغم این هشدارها به زنانی که در معرض خطر بزرگ هستند گروهی اصرار دارند که در سن ۳۵ سالگی یکبار ماموگرافی انجام دهند و از ۴۰ سالگی سالیانه خود را تحت انجام این عمل بگذارند.

### خبر واقعی اول: چربی زیان‌آور

ماموگرافی زندگی ما را نجات نمی‌دهد و اکنون چنین به نظر می‌رسد که حتی تلفات بیشتری نسبت به سرطان سینه ایجاد می‌کند. معالجات نیز باعث طول عمر ما نمی‌شود. تکنیکهای پیشرفته پزشکی علی‌رغم بحثهای دقیق و همچنین نتایج آماری مبارزه با این اپیدمی به طور نامطلوبی شکست خورده‌اند. پس بانوان چه باید بکنند؟ پیشگیری!

برای شروع باید چربی موجود در رژیم غذایی را کاهش دهیم. آزمایش روی حیوانات با رژیم غذایی کم چربی نتایج فوق‌العاده‌ای در بر داشته است. جان ویس برگر متخصص امراض اپیدمیگ شرح می‌دهد که پستان حیوانات ممکن است خود به خود دارای تومور باشد و یا اینکه با پرتونگاری و مواد شیمیایی به وجود بیاید. حال ممکن است شما آنها را جایگزین و یا منتقل کنید. به هر حال نتیجه یکسان است و چربی زیاد تومورهای بیشتری را به وجود می‌آورد که سریعتر رشد می‌کنند. میزان چربی را کاهش دهید تا بدین ترتیب تومورهای کوچکتر و کمتر نصیبان شود.

نمونه‌های انسانی نیز بسیارند. بی‌ریدی، محقق بیماریهای سرطانی در سال ۱۹۸۰ نوشت: «در حال حاضر مدارک بسیاری در دست است که ثابت می‌کند هیچ یک از عاملهای خطرناک بیماری سرطان مهمتر از رژیم غذایی و تغذیه نیست.» مدارک آماری بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کند یک رژیم غذایی کم چربی می‌تواند خطر ابتلا به سرطان سینه را کاهش دهد. در یازده کشور که گوشت و به خصوص گوشت گاو زیاد مصرف می‌کنند، سرطان سینه شایعتر است. دکتر پیتگرین والد، از انستیتو ملی سرطان می‌گوید: «کشورهایی که نصف ما چربی مصرف می‌کنند نصف ما شاهد سرطان هستند.» ۲۱ گونه تحقیق روی بیماریهای اپیدمیگ نشان می‌دهد که در هفده نوع از آنها ارتباط بین چربی موجود در رژیم غذایی و سرطان سینه تأیید شده است. در یکی از این مطالعات آمده است که سرطان سینه در بین زنان ژاپنی که رژیم سنتی آنان تنها یک



در میان زنان «تانکایی» که به طور سنتی تنها از سینه راست شیر می‌دهند میزان ابتلا به سرطان در سینه چپ خیلی بیشتر است. به علاوه مطالعات مربوط به بیماریهای اپیدمیکی قویاً اشاره بر این دارد که درصد پیشگیری با افزایش مدت زمان شیردادن افزایش می‌یابد. طی تحقیقاتی که در سال ۱۹۸۶ به عمل آمد روشن شد زنانی که کودکانشان را شیر می‌دادند نصف کسانی که هرگز شیر نمی‌دادند در معرض خطر ابتلا به سرطان سینه قبل از یائسگی (نوعی که بسیار سریع انتشار می‌یابد) قرار داشتند. همچنین شیردادن به مدت طولانی، سرطانهای سینه کمتری را به دنبال داشت. زنانی که به مدت دو سال شیر می‌دادند، خطر ابتلایشان به سرطان را به یک سوم رساندند.

بازگشت به حقایق:

پروفسور ساموئل اپستین برآورد می‌کند که ۷۰ الی ۹۰ درصد از سرطانها در اثر شرایط محیطی از قبیل آلودگی هوا، آب و غذا به وجود می‌آیند. عوامل مفلون در ایجاد سرطان سینه را می‌توان در لیستی (البته ناقص) بدین شرح جمع‌آوری کرد: ضد آنها، حوزه‌های الکترومغناطیسی حاصل از خطوط نیرو و بعضی از لوازم خانگی، پرتونگاری حاصل از اشعه ایکس، تولید سلاحهای هسته‌ای، هورمونهای جنسی زنانه موجود در داروهای جلوگیری‌کننده و درمانهای هورمونی.

اما بر سر تبلیغات تلویزیونی که می‌توانند حقیقت را فاش کنند چه آمده است که ما هرگز شاهد حتی نمونه‌ای از آنان نیستیم، چرا که تغذیه کودک با شیر مادر، تغذیه به گونه‌ای متفاوت، تصفیه محیط و رد درمانهای مهلک سودمند نیست. آری پیشگیری از این بلا که روزانه جانهای بیشماری را می‌گیرد برای عده‌ای سودی ندارد. برای آنان فقط وجود کارخانه‌های شیر خشک‌سازی که مثل قارچ رشد می‌کنند و تعدادشان سر به میلارد می‌زند (با اینکه سلامتی نوزادان و مادران را به خطر می‌اندازد)، مانوگرافی، پرتونگاری و شیمی‌درمانی بدون اینکه حتی کوچکترین تأثیر در رویه پیشرفت این بیماری اپیدمیک داشته باشد، سودمندتر است. اینگونه است که شمار از دست رفتگان روز به روز افزایش می‌یابد.

انتظار بکشند رژیم غذایی کم‌چربی، به ویژه بدون چربی حیوانی، نوعی اقدام پیشگیری‌کننده است که هیچ ضرری هم ندارد. حداقل به این ترتیب خطر ابتلا به بیماری قلبی و همچنین جذب هورمونها، آنتی‌بیوتیکها و ضد آفت‌هایی که در گوشت مصرفی ما نفوذ می‌کنند، کاهش می‌یابد.

خبر واقعی دوم: شیردادن

یکی از اسرار فاش‌نشده صنایع شیر خشک‌سازی در مورد سرطان سینه است که شیردادن از طریق سینه از این بیماری پیشگیری می‌کند. پروفسور داگلس تامپسون، استاد مدرسه پزشکی ییل می‌گوید: «از نظر محققان برای پیشگیری از سرطان سینه، به استثنای شیردادن بچه با سینه مادر، نمی‌توان توصیه‌های بیشتری کرد.» دکتر نانسی‌لی، متخصص امراض اپیدمیک و سرپرست مراکز کنترل بیماری در آتلانتا گفته است: «زنانی که کودکانشان را با سینه خود شیر می‌دهند نسبت به آنان که این کار را نمی‌کنند عمدتاً کمتر به سرطان سینه و سرطان تخمدان مبتلا می‌شوند.»

تحقیقات حاکی از این است که مدت زمان شیردادن با درصد سرطان سینه ارتباط معکوس دارد. در کشورهایی که شیردادن از سینه به مدت طولانی عرف است سرطان سینه کمتر به چشم می‌خورد. پس افزایش میزان سرطان سینه با افزایش استفاده از شیر خشک ارتباط مستقیم دارد. زنان اسکیموی کانادایی کودکان زیادی دارند و معمولاً دو الی سه سال آنها را شیر می‌دهند و کمترین میزان سرطان سینه بین همین گروه دیده می‌شود. موارد معدود گزارش شده مربوط به زنانی است که تنها از یک سینه شیر می‌دهند و در نتیجه سینه دیگرشان به سرطان مبتلا می‌شود. طی تحقیقات سال ۱۹۷۷ کشف شد

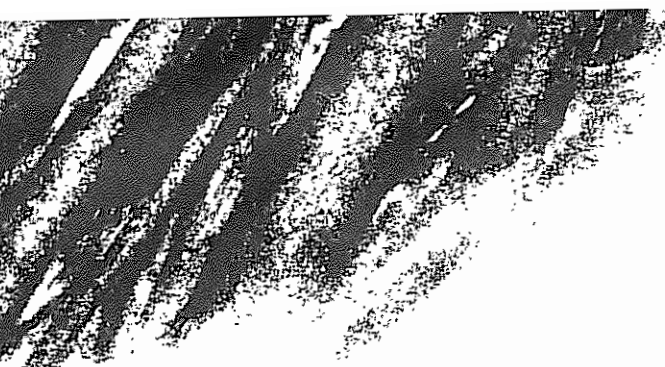
چهارم رژیم آمریکاییها چربی دارد، بسیار کمتر دیده می‌شود. دکتر تاکیشی هیرایاما از «انستیتوی ملی تحقیق روی بیماریهای سرطانی» در توکیو کشف کرده است زنانی که هر روز گوشت می‌خورند چهار برابر بیشتر از آنان که کمتر و یا اصلاً گوشت نمی‌خورند در معرض خطر سرطان سینه قرار دارند. همچنین ثابت شده است که میزان تلفات نیز تحت تأثیر چربی موجود در رژیم غذایی است: یک زن هرچه در دوران زندگیش کمتر چربی بخورد احتمال اینکه با وجود ابتلا به سرطان سینه زنده بماند، بیشتر است.

با وجود تمام این شواهد «انستیتو ملی بهداشت» پروژه‌های تحقیقی نقش چربی در ایجاد سرطان سینه را در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ رد کرد. بخشی از این سیاست به علت عدم رضایت عمومی انستیتو از تحقیق بر اصل پیشگیری است که در واقع در برابر تشخیص و مطالعه قرار گرفته است. با اینکه ۱۷/۵ درصد از سرطانها، سرطان سینه و ۸/۶ درصد از مرگهای سرطان، ناشی از سرطان سینه‌اند، انستیتو ملی بهداشت فقط کمتر از ۱۴ درصد از بودجه خود را صرف مسائل بانوان می‌کند. به لطف اعتراض عمومی کنگره زنان و تشکیلات بانوان، به ویژه «شبکه ملی بهداشت بانوان» و «طرح بهداشت ملی زنان سیاهپوست»، دکتر برنادین هیلی، مدیر جدید «انستیتو ملی بهداشت» این انستیتو را جهت تحقیقات درباره ارتباط سرطان سینه و چربیهای غذایی هدایت کرده است. طرح مقدماتی بهداشت بانوان که برای تحقیق طی نه سال به ۶۰ هزار زن نیاز دارد، از سال آینده شروع به کار خواهد کرد.

اما اکنون بانوان به علت وجود احتمال یک به نه، تحمل ندارند که برای اعلام نتایج







تنها کس احساس کرد چیزی در او جاری شد، در سیلان این جاری  
ابهام با خود زمزمه کرد:

این کیست؟

از کدامین سو است؟

اهل کدامین دیار و یا کدامین قبیله فرشتگان در بدر ملکوت است؟

هرجا که نه اینجا، هر سو، که نه این سو

شاید اهل آن سو.

آن سویی چشمانی به رنگ روح داشت و نگاهی که در زیر هرم  
سوزان سپیدش، تنهایی بی‌رنگ می‌شد، پیکرش سپید سپید، تا نزدیکی  
رنگ هیچ

تنها کس این سویی در «ابتدای خطیر گیاهان» هر دم خیره‌تر می‌شد  
از دست‌آن آن سویی چیزی مثل سبزیگی تمام سبزه‌ها چکیدن داشت،  
برهوت رابطه هر دم سبزتر می‌شد.

تنها کس با خود زمزمه می‌کرد

او آمده است،

اما از کجا؟

شاید از آن سو هایی که هسته پنهان «ترنم مرموز» این سوهاست.

در توج تصویرش در قاب لحظه‌ها، حس کرد او آمده است .

تا از «تناسب گل»ها برای تنها مرد این سویی سرپناهی بسازد، تا از  
گزند تازیانه‌های رنج در امانش دارد،

آمده است تا حصار کوچک مرد را با «دریچه‌های مکرر» رو به آن  
«وسعت بی‌واژه» بگستراند تا، ندای «همه‌ماده‌های جهان» که او را

تا لب «هیچ ملایم» می‌خوانند بشنود

در طنین «رفتار مبهم» پلکهای آن سویی، پرنده‌های خیال در خسته  
خانه ذهن در فراز و فرودی ابدی بودند، «زنگ باران» به صدا آمد

آغاز پرواز، در همیشگی همیشه‌ها،

برای گم‌شدن در افق‌هایی که پایان گستره یک یادند،

فراز آن که باید برود و فرود آن که برای پرواز به پایان رسیده است.

اما آن که می‌ماند، باید «نیکی جسمانی» خود را برای فرودهای  
همیشه آن که در «اندوه زندگی» گم شده است بگستراند.

درا این فراز و فرودها، این سویی از پشت الفاظ تا «علف‌های نرم  
تمایل» دويد و به عذت نسیم پرسید،

می‌بینی؟

آدم اینجا چقدر تنهاست؟ تنهای تنها، محکومیت تقدیری تمامی آنانی  
که همه‌گونه نیستند.

و توه‌ای اهل آن سوها،

شعر «همیشه» سپهری، قصه غربت مرد است که در تنهایی حیات به  
فریاد آمده است و در برهوت وجود، زن، آن حوری تکلم بدوی  
را جستجو می‌کند تا به همراهی او در سمفونی جاودانه آفرینش  
سرود عشق را در «همیشگی همیشه‌ها» زمزمه کند.

... جاری زمان، مثل همیشه، در بستری از رنگها می‌خرامید...

هنوز در تاریکی بی‌آغاز و پایان ازل، «دری در روشنایی نرویده  
بود»، سکوت سیاهی در رگ هستی می‌تپید.

کسی که تنها کس بود، زمانهای زمان، «کنار مشتای خاک»، در  
دوردست خویش، اوج خود را گم کرده بود.

از لحظه بعد می‌ترسید، به «تسم پوشیده گیاهی» بر گوشه لبهایی شبیه  
بود که بوی ترانه‌ای گمشده می‌دادند، در دهلیزهای وجودش انتظاری

سرگردان موج می‌خورد، دستهایش پر از یهودگی جست و جو بود،  
احساس می‌کرد خوابی را میان علفها گم کرده است، انگشتانش به

سوی هیچ می‌لغزیدند.

\* \* \*

شبی از شبهای دراز زیر بارش یک راز، کمی آن سوتر از این پرچین  
نیاز، ناز بیچک غزل او را پیچید.

کلمه شد، کلمه رعدی در خلوت‌سرای هستی،

کای خداوند خدا

«ما بی تاب و نیایش که رنگ

از مهرت لبخندی کن، نشان بر لب ما

باشد که سرودی خیزد در خورد نیوشیدن تو

ما هسته پنهان تماشا مییم

ز تجلی ابری کن، بفرست، که بارود بر سر ما

باشد که به شوری بشکافیم، باشد که بالیم و به خورشید تو پیوندیم

باشد که ز خاکستر ما، در ما، جنگل یکرنگی به در آرد سر

ای نزدیک

خود را در ما بفکن

باشد که به هم پیوندد همه چیز، باشد که نماند مرز، که نماند نام،»

ناگهان در نفرت بیداری به خاک افتاد، در باز شد، تنها کس از «هجوم  
حقیقت» بر «خاک فراگیر ناز» افتاد... بدر تمامی گلها را در حافظه

رویش نظاره کرد و نزدیک انبساط، در ملتقای خدا و آینه، آنجا که  
«نشان قدم ناتمام خواهد ماند»،

انگاره‌ای افتاد بر آبهای تنهایی قصه آفرینش، رمز واره‌ای به بلندای  
بلند یک آه، در شولایی از نیلوفری باغ خدا

# همیشگی همیشه‌ها

غلامرضا خاکی

در انعکاس تنهاییها، در تموج خاطره‌ها، با غربت «ماهیی کوچکی» آشنا باش که «دچار بی‌کرانگی آنها» شده است، «مرا به خلوت ابعاد زندگی بپر».

این سویی در انعکاس فریاد خویش، صدای فاصله‌ها را می‌شنود که غرق ابهامند و در «روشنی اهتزاز خلوت اشیا»، احساس می‌کند بر پلک حادثه‌ها، شبمی نشست، شبم سخن.

سخن، مولودی تازه در آفرینش زمزمه‌ای نهان،

آری

«دچار باید بود، دچار آن رگ پنهان رنگها

وگر نه زمزمه حیرت میان دو حرف حرام خواهد شد».

«چه کسی بود، صدا زد»...

هان، تو بودی؟... آن سویی... حرف بز

دوباره بگو، «ای زن شبانه موعود»، ای نور در ظلمت حیات

ای ترنم موزون

«یک نفر باید از حضور شکیبا، با سفرهای تدریجی باغ چیزی بگوید

یک نفر باید این حجم کم را بفهمد، دست او را برای تپشهای اطراف، معنی کنده قطره‌ای وقت روی این صورت بی‌مخاطب بپاشد، یک نفر باید این نقطه محض را در مدار شعور عناصر بگرداند»، گوش کن

شهری، نسبی... و حتی کودکیمی نیز ندارم که بدان بازگردم،

تو اهل دیار مایی؟

ای تجلی رویاها، ای تجسم آرزوها، حرف بز.

آوای سید بودنت را، در توفندگی ظلمت، که از برگها می‌ریزد، تکلم کن، تکلم کن «واژه‌هایی که خود بادند، خود بارانند»، حرف بز،

بخوان. بخوان آن کتابی را که «واژه‌های همه از جنس بلورند»

من تنهاترینم، تشنه شنیدن «حرفی که از جنس زمان» است

حرف بز، بوی تنهایی مرا در کوچه باغ آفرینش می‌شونی؟

حرف بز، برای غبار گرفته مردی که رو به «شرق اندوه نهاد بشری»

کوله‌بار عطش بر دوش، در جستجوی «سمت مرطوب حیات» است.

حرف بز، برای کسی که نمی‌داند در «کدام بهار، درنگ خواهد

کرد» و در سطح برگهای کدام نارون روی زمین سبز خواهد شد.

بگو، «کجاست سمت حیات»؟

من از کدام طرف می‌رسم به یک هدهد؟

کجاست هسته پنهان این ترنم مرموز؟»

حرف بز، عنکبوت سکوت را از دهلیز جان من بران

حرف بز، برای من، که «میکده‌ای هستم در مرز کسالت»

«ساختمانی لب دریا، نگران به کششهای بلند ابدی»،

«کمانی در هراس از کشیده شدن»<sup>۴۰</sup>

سخن بگو، ای زمزمه مرموز رهایی

«من صدای نفس باغچه را می‌شنوم و صدای چک‌چک چلچله از

سقف بهار»،

حرف بز

«زیر همین شاخه‌های عاطفی باد» که انگاره پریشان سرنوشت مرا بر

گیسوان تو نقش خواهند زد

حرف بز

برای تنهاترین این سویی، که «گرفتار گرمی گفتار» است و در

جستجوی «خیمه‌زدن در رگ یک حرف»،

حرف بز و مرا به وسعت تشکیل برگها، «کودکی شور آنها» بپر

«ضربه‌های گیاهی حیات» مرا شماره کن، و عشق را که صدای

فاصله‌هاست اندازه بگیر،

و بگو من تا «طلوع انگور» چقدر فاصله دارم؟

حرف بز

مگر نمی‌دانی «هیچ چیز مرا از هجوم خالی اطراف نمی‌رهاند»؛ در

این انهدام پنهان آشکارم کن،

بر هامون تفتیده لحظه‌های مجرد من گام بز،

راه برو، تا در باغ یادهای این کویر، «تکامل انگور» را در تغزل بلند

آفتاب زمزمه کنیم

صدایم کن،

ای در ابتدای خویش،

«با دستان بدویت «شبم دقایق را به نرمی از تن احساس مرگم

برچین»

من به دنبال «صدای پای تو از حوالی اشیا» آمده‌ام

سخن بگو، حرف بز

«کجاست جشن خطوط؟» من در جوانمرگی خویش زنده‌ام

«نگاه کن به تموج، به انتشار تن من»،

بگو،

من از کدام طرف می‌رسم به سطح بزرگ؟

حرف بز،

این صدای حزن را، این «صدای پوست انداختن مبهم» را، با دهانی

به پنهان فلک در من فریاد کن، ای از جنس کلمه، خود کلمه، بیا

در همیشگی وجود، در خاموشی لحظه‌ها

با پای آبیگنت در نهر خشک وجودم گام بز

\* \* \*

آن سویی شنید،

«کنار پنجره آمد، نگاه کرد به فصل، فکر از شکاف مجرد به او دست

می‌زد.»

ناگهان این سویی، در میان «هیاهوی ارقام»

«از پله‌های خطا رفت به بالا

ارتعاشی به سطح فراغت دوید.

وزن لبخند ادراک کم شد.»

\* \* \*

... و اینک «چند ثانیه غفلت رنگین حضور هستی ماست»

■ اشاره به سه گونه نیایش در مقدمه کتاب «گزارش به خاک یوسان» اثر

نیکوس کازانتزاکیس



عصر

روی زمینهای محض

چند عدد سار

راه برو تا صفای باغ اساطیر

دور شدند از مدار حافظه کاج

در لبه فرصت تلاؤ انگور

نیکی جسمانی درخت به جا ماند

حرف بز، حوری تکلم بدوی!

عفت اشراق روی شانه من ریخت

حرف مرا در مصب دور عبارت

صاف کن

حرف بز، ای زن شبانه موعود!

در همه ماسه‌های شور کسالت

زیر همین شاخه‌های عاطفی باد

حنجره آب را رواج بده

کودکیم را به دست من بسپار

بعد

در وسط این همیشه‌های سیاه

دیشب شیرین پلک را

حرف بز، خواهر تکامل خوشرنگ!

روی چمنهای بی‌تموج ادراک

خون مرا بر کن از ملایمت هوش

بهن کن

نبض مرا روی زبری نفس عشق

فاش کن



## ● قابل توجه بانکها، شرکتهای تولیدی و خدماتی ●

چرا سینما موثرترین وسیله برای تبلیغ کالا و خدمات است؟

هر روز حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر برنامه‌های ۸۰ سینمای ما را

در ۵۰ شهر کشور تماشا می‌کنند.

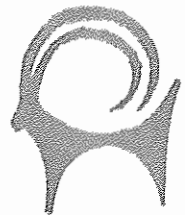
واحد تبلیغات بهمن (متعلق به مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری) با در اختیار داشتن ۸۰ سینما و هماهنگی با ۱۰۰ سینمای دیگر در سراسر کشور پیش‌تاز تبلیغ کالا و خدمات و تولیدات صنعتی در سینماهای ایران با شیوه‌ای تازه



واحد تبلیغات بهمن آماده تهیه و توزیع کلیه خدمات تصویری است، ساخت فیلم‌های ۳۵ mm و ویدیویی طراحی و چاپ سربرگ و ...

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۱۷۰۲۵ - ۸۱۳۱۴۲ فاکس ۸۱۸۰۷۱ و یا به آدرس خیابان ولی‌عصر - بالاتر از میدان ولی‌عصر - نبش سینما استقلال کوچه فرشید پلاک ۲ تماس حاصل فرمائید.

# نمایشگاه آثار سفالگران در موزه



آینده از نظر کیفی، نقشی برجسته‌تر در این صحنه ایفا کنند. شرکت زنان سفالگر - با توجه به این که در گذشته، هنر آنان امکان ظهور و عرضه نداشت - می‌تواند جای پای آنها را در این عرصه ارزشمند هنر محکمتر کند.

با توجه به این که سفالگری هنری اصیل و ایرانی است، و می‌تواند ایجادکننده کار و درآمد برای افراد علاقمندی باشد که ذوق هنری دارند و با عرضه در بازارهای بین‌المللی، معرف آداب و رسوم، سنتها و در مجموع فرهنگ بارور این مرز و بوم باشد، جای آن دارد که دست‌اندرکاران با کمبودها و مشکلات این هنرمندان برخورد جدیتری داشته باشند.

اکثر این هنرمندان در صحبت‌هایشان از عدم دسترسی به ابتدایی‌ترین امکانات کارشان - از قبیل گِل، کوره و محل مناسب برای کار - گله دارند و همین مسائل جذب

خانه ایرانی است بلکه چون با دست پرداخت می‌شوند، کیفیت بالا و دوام بیشتر دارند و می‌توانند جایگزین محصولات ماشینی وارداتی شوند.

سفالگری نیز در زمره صنایع دستی است که متعلق به ایرانیان است و طرفداران فراوانی دارد. شهر یورماه امسال شاهد برپایی نمایشگاهی از سفالگران، در موزه هنرهای معاصر تهران بودیم. این نمایشگاه که به همت استاد محمد مهدی انوشهر برپا شد، کوششی مثبت برای گردآوری آثار هنرمندان سفالگری که هر یک در گوشه و کناری به آفرینش هنری خویش مشغولند، در کنار هم بود.

نمایشگاه شامل مجموعه‌ای از سفالینه‌های مختلف بود که هر هنرمندی نگاه و طرح خود را با بهره‌گیری از ذوق و خلاقیت‌های خویش در آن ریخته بود. در نمایشگاه آثار سفالگران، زنان حضوری برجسته داشتند. اگرچه انتظار می‌رود در

صنایع دستی، هنری است که علاوه بر استفاده از دست و ابزارهای دستی برای ساخت و پرداخت، مَهر اندیشه خلاق و ذوق هنری هنرمند را بر خود دارد. و به سبب این ویژگی تنوع زیاد و طرحهای گوناگونی دارد که آن را از صنایع ماشینی متمایز می‌کند.

صنایع دستی ایران، در مقاطعی مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی قرار گرفته است و علی‌رغم مشکلات و کمبودهایی که همواره با آن دست به گریبان بوده است، راه خود را یافته و نه تنها از جنبه هنری و فرهنگی بلکه از جنبه کاربردی هم توجه و علاقه مردم را به سوی خود جلب کرده است. صنایع دستی از نظر فرهنگی، معرف آداب و رسوم دیرینه و اصالت‌های ناب موجود در این مرز و بوم است که در نقشها، طرحها و رنگهای گوناگون این آثار تجلی می‌یابد و از نظر کاربردی نه تنها زیبایی تنوعشان زینت‌بخش